هم‌میهن
دوشنبه ۳۰ تیر ۱۴۰۴
سال چهارم. شماره ۸۳۸
www.hammihanonline.ir

## رسانه ملی بازتاب همه سلایق باشد

احمد فاطمی، نماینده بابل در جلسه روز گذشته مجلس گفت: «بزرگترین دستاورد جنگ ۱۲ روزه، انسجام و اتحاد ملی در مقابل تجاوز و تمامیت ارضی جمهوری اسلامی ایران بود.» وی افزود: «مردم با هر گرایش و سلیقه‌ای پای ایران، نظام و رهبری معظم انقلاب ایستادند؛ پس نباید با حرف‌های نسنجیده و اظهارات بعضاً موهن، قلب انسجام ملی را نشانه بگیریم. همچنین خالق فضایی نباشیم که قدرت و جرأت اظهارنظر و تصمیم‌سازی را از مدیران و مسئولان کشور سلب یا محدود کند.» این نماینده مجلس خطاب به جبلی رئیس سازمان صداوسیما گفت: «مراقبت باشید که تریبون و قاب ملی صداوسیما به جولانگاه جریان خاص و برخی آدم‌های تکراری تبدیل نشود. به نحوی مدیریت کنید که رسانه ملی بازتاب‌دهنده همه دیدگاه‌ها و سلایق باشد.»

## روایت‌های شهادت حاجی‌زاده و شادمانی جعلی است

یک مقام آگاه امنیتی با رد صحت اطلاعات و تحلیل‌های غیررسمی منتشرشده در فضای مجازی پیرامون ترور فرماندهان نظامی و دانشمندان هسته‌ای کشور، در گفت‌وگو با فارس تأکید کرد: «تمام تحقیقات حفاظتی و اطلاعاتی در این حوزه در سطح «سری» طبقه‌بندی می‌شوند و هیچ‌گونه اطلاعاتی اجازه انتشار عمومی ندارد.» این مقام امنیتی ضمن هشدار جدی به کاربران فضای مجازی درباره بازنشر اطلاعات مخدوش، گفت: «بسیاری از این محتواها همچون ادعاها درباره نحوه شهادت شهید شادمانی از سوی شبکه عملیات روانی دشمن تولید شده‌اند و هدف آن‌ها ایجاد یأس و ناامیدی در افکار عمومی است.» وی همچنین طرح دشمن را خدشه‌دار کردن انسجام ملی پس از جنگ تحمیلی ۱۲ روزه عنوان کرد و افزود: «عوامل بیگانه با تجمیع اطلاعات و داده‌های رسانه‌ای چند سال گذشته، سعی در برساخت روایت‌های جعلی، گمراه‌کننده و حتی در برخی موارد کاریکاتوری از نحوه ترور فرماندهان و نخبگان کشور دارند تا شکست‌های خود را در قالب سناریوهای تخیلی پنهان کنند.»

## حکم محارب جاسوسان در محل جرم اجرا شود

قاسم روانبخش، نماینده قم روز گذشته در تذکری شفاهی در مجلس گفت: «صداوسیما نباید تریبون زنده رسانه را در اختیار افرادی معلوم‌الحال قرار دهد که مسئولان کشور را مورد زشت‌ترین اتهاماتی قرار می‌دهند که به حد قذف نیاز دارد.» این نماینده مردم در مجلس دوازدهم یادآور شد: «صدور بیانیه ۷۰۰ تن از براندازان و ۱۸۰ نفر از به اصطلاح اقتصاددانان که ملت ایران را دعوت به تسلیم می‌کنند نباید در رسانه‌های ما انعکاس چندانی داشته باشد. برهم‌زنندگان وحدت ملی خواسته یا ناخواسته دشمن را برای حمله مجدد تطمیع می‌کنند و در واقع ستون پنجم دشمن هستند.» روانبخش تاکید کرد: «از دستگاه قضایی انتظار می‌رود که در اقدامی پیشگیرانه با آنها برخوردی قاطع و مناسب داشته باشد، همانگونه که لازم است با جاسوسان و عوامل دشمن که در جنگ ۱۲ روزه دستگیر شدند به سرعت حکم محارب درباره آن‌ها در محل جرم اجرا کند.»

### کامبیز نوروزی حقوقدان:

# موضوع تسلیح سیاسی دشمن است نه تسلیح حقوقی آن

**کامبیز نوروزی، در گفت‌وگویی که با هم‌میهن داشت معتقد است مواردی که از سوی محقق داماد و درویش‌زاده درباره تسلیح حقوقی دشمن در مقاله‌شان مورد اشاره قرار گرفته است، مواردی است که دشمن را بیش از اینکه تسلیح حقوقی کرده باشد، تسلیح سیاسی کرده است. او می‌گوید ایران، برای بهبود وضعیتی که دچارش شده، نیازمند سیاست‌گذاری‌های کلان در سطوح بالا و اراده معطوف به عمل است.**

**اخیراً مقاله‌ای با عنوان «تسلیح حقوقی دشمن» منتشر شده است؛ در فضای داخلی ایران اقداماتی از سوی برخی افراد صورت می‌گیرد که این اقدامات به مرور زمان توانسته است به دشمن کمک کند و به عبارتی دشمن را در برابر ایران تسلیح حقوقی کرده است. برای مثال از «پخش برنامه‌های تلویزیونی که در آن اشعاری خوانده می‌شود با این مضمون که همه یهودیان را نابود خواهیم کرد» نام برده شده است. نظرتان درباره این موضوع چیست و چقدر این اظهارنظرها و اقدامات به تسلیح حقوقی دشمن کمک کرده است؟**

این مقاله، مقاله‌ای بسیار ارزشمند است و باید به آن توجه شود. آقای محقق داماد، چه از لحاظ فقهی و چه از لحاظ حقوقی، شخصیت ممتازی به شمار می‌روند و باید دیدگاه‌های ایشان مورد توجه قرار بگیرد اما نکته‌ای که باید عرض کنم، این است که مواردی که در این مقاله ذکر شده، اغلب جنبه حقوقی ندارد، بلکه جنبه‌های سیاسی دارد و نمی‌توان آنها را حقوقی تلقی کرد. البته مواردی مانند آن صحبت قدیمی احمدی‌نژاد وجود دارد که گفت «اسرائیل باید از نقشه جهان محو شود» که حساب آن موارد جداست. آن حرفی که احمدی‌نژاد زد چون از سوی یک رئیس‌جمهور بیان شده بود، علیه ایران استفاده شد. منتهی بحثی که وجود دارد، چیز دیگری است. بحث این است که در عرصه بین‌الملل، روابط بین‌الملل براساس نظام قدرت و منافع دولت‌ها عمل می‌کند و حقیقت ماجرا این است که حقوق بین‌الملل مستقیماً و به شدت تحت تاثیر نظام قدرت است. نمونه‌های بسیار فراوانی هم درباره آن وجود دارد. آخرینش هم به‌عنوان یک نمونه آشکار، عملکرد رژیم اسرائیل در غزه است. تمام موازین حقوق بین‌الملل و حقوق بشر، در شدیدترین حالتش، توسط رژیم اسرائیل در غزه نقض شده است. کشتار بیش از ۸۰ هزار نفر، بی‌خانمان کردن نزدیک به ۲ میلیون انسان، محاصره دارویی و غذایی، کشتار خبرنگاران، امدادگران و غیرنظامی‌ها، کارهایی است که رژیم اسرائیل در طول یک و سال و نیم اخیر انجام داده است اما مشاهده می‌کنیم که نظام بین‌الملل در برابر این رفتار جنایتکارانه کاملاً منفعل است. درست است که برای نتانیاهو حکم جلب صادر شده، درست است که نهادهای حقوق بشری و قطعنامه‌ها علیه اسرائیل است اما هیچکدام از آنها ارزش عملی ندارد و پشت پرده از رفتار اسرائیل حمایت می‌شود. متاسفانه حقوق بین‌الملل، تسلیم قدرت بین‌الملل است؛ اما درباره ایران یک مسئله مهم وجود دارد. ایران در تمام این سال‌ها و به‌خصوص از دوره محمود احمدی‌نژاد به بعد، زبان بین‌المللی را رعایت نکرده است. در همین ماجرای تجاوز اخیر اسرائیل به ایران، وقتی که جلسه شورای امنیت سازمان ملل برای رسیدگی و بررسی این موضوع تشکیل شد، نماینده ایران در سازمان ملل سخنرانی داشت. نصفِ بیشتر این سخنرانی، شامل عبارت‌پردازی‌هایی بود که در داخل و برای مصرف داخلی از آنها استفاده می‌شود. این غلط است، زبان بین‌المللی چیز دیگری است. نمی‌توان با زبانی که در ایران از آن استفاده می‌کنند، در مجامع بین‌المللی هم از آن زبان استفاده کنند. یک نمونه برجسته برای اینکه حرفم روشن شود، مربوط به چند سال پیش است. چند سال پیش، رژیم اسرائیل باز هم غزه را محاصره غذایی و دارویی کرد. ایران بیانیه‌های متعددی داد و طبق معمول سخنان تندی را گفت که برای اهالی غزه جای دارو و غذا را نمی‌گرفت، اما در ترکیه، نهادهای مدنی تحت حمایت دولت ترکیه، یک کشتی تهیه کردند و آن را از غذا و دارو پر کردند و به نام کشتی آزادی، در کنار غزه پهلو گرفت، دولت اسرائیل هیچ کاری نتوانست انجام دهد. منطق روابط بین‌الملل مستلزم رعایت قواعد زبانی و رفتاری خاصی است که ایران تقریباً هیچگاه رعایت نکرده است، مگر در دوره مذاکرات منتهی به برجام و یا پیش از آن در مذاکرات سعدآباد که عملکرد درستی داشت. مشکل ما در عرصه بین‌الملل، عدم توجه به حقوق بین‌الملل نیست. در همین تجاوز اخیر اسرائیل به ایران، ما شاهد این هستیم که صدراعظم آلمان که گویا مقداری از خون هیتلر در رگ‌های او وجود دارد، به صراحت جمله‌ای جنایتکارانه می‌گوید که اسرائیل درباره ایران کار کثیفی را انجام می‌دهد که ما نمی‌توانیم انجام دهیم. چرا صدراعظم آلمان چنین موضعی می‌گیرد؟ این ناشی از این نیست که ایران نتوانسته از لحاظ حقوقی خودش را مسلح کند. در اینکه اسرائیل ۴ مورد بزرگ حقوق بین‌الملل را درباره ایران نقض کرده، هیچ تردیدی نیست. مسئله این است که ایران در روابط بین‌المللی خودش، اصول و روابط را رعایت نمی‌کند و زبان بین‌المللی ندارد. این مورد باید اصلاح شود.

**به نظرتان نوع گفتارها و رفتارهایی که در ایران بیان شده، اصلاً تاثیری در این ماجرا داشته است؟**

از لحاظ سیاسی تاثیرگذار بوده است. ما سال‌هاست شعار می‌دهیم و دنیا هم این شعار را می‌شنود. ایران سال‌هاست که علیه اسرائیل موضع می‌گیرد و دنیا هم این را می‌شنود. مثلاً همین اواخر، عده‌ای جمع می‌شوند و برای ترور دو شخصیت بین‌المللی تبلیغ جمع‌آوری پول می‌کنند، اینها شنیده می‌شود و اثر می‌گذارد. همین اواخر، در خود ایران، ببینید چقدر نسبت به این فرد فحاشی می‌شود. اینها چیزهایی هست که ایران را در جهان تنها گذاشته است. نکته مهمی که در جنگ ۱۲ روزه وجود دارد، این است که اسرائیل به ایران تجاوز کرد، یعنی بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد را نقض کرد. هدف‌گیری فرماندهان نظامی ایران مصداق بارز ترور است. هدف‌گیری تاسیسات هسته‌ای ایران، نقض آشکار NPT است. هدف گرفتن زندان اوین، نقض آشکار کنوانسیون چهارم ژنو است. یعنی از لحاظ حقوقی، اسرائیل کاملاً قواعد را نقض کرده است و همه هم این را می‌دانند اما با این حال، یکسری از دولت‌ها از ایران حمایت نکردند. یعنی ایران در جنگ ۱۲ روزه و همین الان هم تنهاست. این ناشی از امر حقوق نیست، چون در روابط بین‌الملل، حقوق مقهور منافع و روابط قدرت است. این ناشی از این است که ایران در تمام این سال‌ها، نتوانسته است در جهان با زبان بین‌المللی حرف بزند و در داخل هم طوری سخن بگوید که در جهان بازتاب منفی نداشته باشد. محمود احمدی‌نژاد یک جمله ۵ کلمه‌ای گفت و برای ایران فاجعه آفرید؛ هیچ کسی هم بعداً از این فرد مسئولیت نخواست. در حالی که هولوکاست در جهان پذیرفته شده است، محمود احمدی‌نژاد با انکار آن، دردسرهای بی‌شماری برای ایران آفرید که ما هنوز داریم آثار هولناکش را می‌بینیم.

**با موضوعی که درباره محمود احمدی‌نژاد مثال زدید، می‌توان گفت این جمله‌ها تاثیر دارد...**

بله تاثیر دارد. منتهی اینها مضامین حقوقی نیستند، بلکه تاثیر اینها به دلیل وضعیت سیاسی ایران است. اگر قرار بود در روابط بین‌الملل مثل روابط داخلی قانون حاکم باشد، حداقل درباره جنایات پرشمار و تاریخی اسرائیل در غزه، تا الان باید شدیدترین برخوردها با دولت اسرائیل می‌شد اما نمی‌شود. اینجا مسئله، مساله حقوق نیست، ایران بدتر از حقوق، کشورهای خارجی و دشمنانش را تسلیح سیاسی می‌کند. این نشان می‌دهد که تمایلی به پذیرش قواعد سیاسی و زبانی ندارند.

**در بخش پایانی مقاله‌ای که منتشر شده، این مورد آمده است که «مهم آن است که راهی شناسایی شود که موجب تسهیل یا تسلیح حقوقی دشمن نشود.» این راهکار چیست؟ آیا می‌توان قانونی را نوشت و یا دستورالعملی را صادر کرد که آن قانون یا دستورالعمل بتواند از این به بعد مانع از بیان این جمله‌ها شود؟**

این مشکل با قانون حل نمی‌شود. یک پارادایم شیفت یا تغییر دیدگاه لازم است که باید رخ دهد و این تغییر دیدگاه هم کار سختی است. یک جای خیلی مهم که می‌تواند اثرگذار باشد، صداوسیما است. صداوسیما در برنامه‌های خودش، از مروجان این زبانی است که در جهان علیه ایران استفاده می‌شود. صداوسیما نقش مهمی در بازتولید ادبیات سیاسی و فرهنگی دارد. مراسم نوحه‌خوانی پخش می‌کند که در آن به مقامات کشورهای دیگر فحاشی می‌شود. مورد بعد سیاست‌های تبلیغی است. این اواخر، ایران برای برقراری ارتباط با مصر، نام خیابانی را تغییر داد چون از موانع برقراری ارتباط بود. باید یک شجاعتی وجود داشته باشد که این تغییرات، در سطح وسیع‌تری اتفاق بیفتد. در سیاست‌گذاری باید بگویند که دیگر این شعارها را ندهید. این شعارها کجا به درد ما خورده است؟ ما نیازمند سیاست‌گذاری کلان و اراده معطوف به عمل هستیم که چه در داخل و چه در خارج، با زبان پاکیزه صحبت کنیم. در آموزه‌های دینی ما هم این مورد وجود دارد که حتی به بت‌های مشرکان توهین نکنید. این مشکلات با قانون رفع نخواهد شد بلکه نیازمند سیاست‌گذاری‌های کلان در سطوح بالا و اراده معطوف به عمل است. البته یک عامل بازدارنده هم وجود دارد که جریان تندرو افراطی در ایران است که هر اتفاقی که می‌خواهد به جامعه ایران آرامش بدهد را می‌خواهد خراب کند.

درباره موارد گذشته به مواردی چون «پخش برنامه‌های تلویزیونی که در آن اشعاری خوانده می‌شود با این مضمون که همه یهودیان را نابود خواهیم کرد»، «برخی رجزخوانی‌هایی که درباره توان هسته‌ای و شهرهای موشکی و سکوهای پرتابی با مبالغه‌هایی در جزئیات فنّاوری هسته‌ای مطرح شده است»، «نصب تابلوی روزشمار نابودی اسرائیل و حمایت مقامات رسمی از موضوع» و «سیاست‌گذاری‌هایی که در زمینه فیلترینگ شبکه‌های اجتماعی انجام شد و موجب نصب ده‌ها میلیون فیلترشکن روی گوشی مردم، مسئولان و خانواده‌های آنها شد»، «سیاست‌گذاری‌هایی منتهی به ورود میلیون‌ها نفر اتباع بیگانه به داخل کشور شد؛ از آن جهت که زمینه استفاده از فقر آنها را برای مستندسازی حقوقی و جاسوسی تسهیل و ترویج کرد» اشاره داشت.

در سومین قسمت و بخش پایانی هم با بیان این جمله که «اولاً: مقابله واقعی با دشمن، نیازمند تدبیر و محاسبه است و عقب‌نشینی و پیشرفت در مرحله دوم اهمیت قرار دارد. مهم آن است که راهی شناسایی شود که موجب تسهیل یا تسلیح حقوقی دشمن نشود. ثانیاً: در نظم ظالمانه دنیا، نهادهای حقوقی، در دسترس و تصاحب دشمن است و متاسفانه در دسترس ما نیست. البته علت این دسترسی نیز، هیمنه و حضور اقتصادی و سیاسی آنهاست.» یادآور می‌شوند که «واقعیت آن است که کشور ما از نظر شاخص‌های اقتصادی، سیاسی و نظامی و سایر مؤلفه‌های قدرت به گونه‌ای نیست که توان جلوگیری از نفوذ دشمن بر سازمان‌های بین‌المللی را داشته باشد و لذا باید واقع‌بین باشیم؛ آن گونه که در آموزه‌های ادب پارسی نیز آمده است: «ننگ غنی و مرگ فقیر صدا ندارد»؛ لذا ارتکاب نظام سلطه به ننگین‌ترین رفتار ضدانسانی، به صورتی خاموش و بی‌صدا پدید می‌آید و ما برای غلبه بر این اوضاع، ابتدا باید از تسلیح حقوقی دشمن به‌شدت پرهیز کنیم و در مرحله بعد، باید در مسیر توسعه و پیشرفت کشور تلاش کنیم تا به مقصودی برسیم که حضرت حافظ گفت: «عالمی از نو بباید ساخت و از نو آدمی.»»

### کمک‌رسانی به دشمن؟

براساس آنچه که محقق داماد و درویش‌زاده در بیانیه اخیر خود بیان کرده‌اند، مصادیقی وجود دارد که طی سال‌های گذشته توانسته است نوعی کمک‌رسان به دشمن باشد؛ مصادیقی که در آینده هم توانایی این را دارند که به روند کمک‌رسانی علیه ایران ادامه دهند. نکته اینجاست که آنچه گذشت، تمام شده و باید تنها به عنوان درسی از تاریخ مورد استفاده قرار بگیرد اما بحث مهم این است که در آینده چه باید کرد که حداقل در بُعد داخلی، جمله‌ها و اقداماتی نتواند بهانه دست سایر کشورها دهد که علیه ایران اقدامی را انجام دهند. سدسازی مقابل اینگونه حرکت‌ها، می‌تواند یکی از اولویت‌های اساسی باشد که سیاستگذاران در جمهوری اسلامی در دوره آتش‌بس مدنظر خواهند داشت.

می‌گذارند. من اصلی‌ترین علت این وضعیت را عدم پایبندی به قوانین موضوعه کشوری می‌دانم. قانون باید اتوریته داشته باشد اما در این کشور، آن اتوریته لازم وجود ندارد. به درستی در دوران اصلاحات آقای خاتمی تاکید به قانونمندی داشت. البته این عدم پایبندی به قوانین، یک علت فرهنگی هم دارد. متاسفانه عدم پایبندی به قانون در فرهنگ ما ایرانیان نهادینه شده است و تنها مختص دولتمردان ما نیست. وقتی جامعه قانونمدار نباشد، دولتمردانش هم قانون‌مدار نخواهند شد.

**به هر حال تا الان که این اتفاقات رقم خورده و هزینه‌ها برای کشور درست شده است. در این مقاله اشاره شده که به جای تسلیح حقوقی دشمن، باید به خلع سلاح حقوقی دشمن پرداخت. در این مسیر چه باید کرد؟**

پاسخ دادن به این پرسش سخت است اما من سعی می‌کنم به شکلی ساده جواب آن را بدهم. می‌گوییم که گذشته، گذشته است و باید از آن برای آینده درس گرفت که تکرار نشود. راه‌حلی که به ذهن من می‌رسد این است که مسائل حساسی که در کشور به وقوع می‌پیوندد که بر موقعیت بین‌المللی ما تاثیرگذار است، مسئله به همه مربوط نشود. برای مثال، وقتی مسئله‌ای در حوزه سیاست خارجی است فقط وزارت خارجه درباره آن موضوع اظهارنظر کند و یا در مواقع بحران، شورای عالی امنیت ملی تصویب کند که فقط فلان آدم باید درباره مسائل کشور حرف بزند و موضع جمهوری اسلامی را بگوید نه اینکه هر کسی از هر کجایی بلند شد یک چیز را بگوید. باید یک نهادی را به وجود بیاورند که هر مقامی از هر گوشه کشور، هر چیزی که به ذهنش آمد را بیان نکند که به اسم کل کشور تمام شود. اگر اینطور مسائل را زیر نظر داشته باشند، شاید بشود از این مسائل اندکی کم کرد. اما اینکه چنین چیزی و پیشگیری شدنی خواهد بود یا خیر، من اعتقاد دارم که شدنی است.

**موضوعی که وجود دارد این است که برخی از اظهارنظرها از تریبون رسانه رسمی مثل صدا و سیما بیان می‌شود...**

در این موضوع صداوسیما را باید از سایر رسانه‌ها جدا کرد. صداوسیما در کشور ما جایگاه خاصی دارد و رسانه رسمی سیستم محسوب می‌شود و طبیعی است که بازخورد چیزی که در صداوسیما بیان می‌شود، از این جهت که رسانه حاکمیت است بیشتر از سایر رسانه‌ها بازتاب خواهد داشت. آن نهادی که در سوال قبل به آن اشاره کردم که باید ایجاد شود که منافع و ضررهای اظهارنظرها را سنجش کند، باید برای صداوسیما هم سیاست مشخص کند که صداوسیما هر کسی را نیاورد که از تریبون رسمی مطالبی را بیان کند که بعد از آن، پاک کردن عوارض آن کار سختی باشد.

شرکت ملی گاز ایران
شرکت گاز استان کرمانشاه
(سهامی خاص)

فراخوان ارزیابی کیفی دو مرحله‌ای
FR-CO-۳۹/۰۰

نوبت دوم

شرکت گاز استان کرمانشاه در نظر دارد فراخوان ارزیابی کیفی جهت برگزاری مناقصه عمومی انتخاب مشاور برای آماده سازی اطلاعات و نقشه‌های تاسیسات گازی باقیمانده شهرستان اورامانات جهت ایجاد سیستم GIS را به شماره ۲۰۰۴۰۰۱۳۳۹۰۰۰۰۳۲ از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزارنماید.
شرکتهای متقاضی دارای گواهی نامه صلاحیت مشاوران با تخصص سیستمهای اطلاعات جغرافیایی (GIS) با ظرفیت آزاد کاری می‌توانند کلیه مراحل برگزاری فراخوان ارزیابی کیفی اعم از دریافت و تحویل اسناد استعلام ارزیابی کیفی تا ارسال دعوتنامه جهت سایر مراحل مناقصه را، از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir پیگیری نمایند.
لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند. اطلاعات و اسناد مناقصه عمومی پس از برگزاری فرآیند ارزیابی کیفی و ارسال دعوتنامه از طریق سامانه ستاد به مناقصه گران ارسال خواهد شد.

- برآورد کارفرما: ۴۲٬۰۰۰٬۰۰۰٬۰۰۰ ریال.
- تاریخ انتشار مناقصه در سامانه: ۱۴۰۴/۰۴/۲۱ می‌باشد.
- مهلت دریافت اسناد استعلام ارزیابی کیفی: ساعت ۱۶:۰۰ روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۰۴.
- مهلت ارسال پاسخ استعلام ارزیابی کیفی: ساعت ۱۶:۰۰ روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۱۸.

شناسه آگهی: ۱۹۶۶۹۷۵

روابط عمومی شرکت گاز استان کرمانشاه